مقالة:

**حقوق جزا و جرمشناسي**

تابستان 1386

**فهرست:**

چگونگي مراحل كشف جرم در نظام حقوقي ايران

رسيدگي به جرائم بورسي

برخى از نواقص و ضعف هاى كلى قانون مجازات

جرم انگارى هاى غيرضرورى

جرم زايي

كشف سريع جرم عامل بازدارنده براي مجرمان است

**منابع:**

<http://www.adrpi.org/cgi-bin/mt/mt-tb.cgi/288>

[www.sharghdaily.com](http://www.sharghdaily.com)

[www.hamshahri.com](http://www.hamshahri.com)

[www.hoghogh.ir](http://www.hoghogh.ir)

**چگونگي مراحل كشف جرم در نظام حقوقي ايران**

در نظام دادرسى كيفرى ايران مرحله مقدماتى، طبق سيستم تفتيشى انجام مى شود يعنى تحقيقات محرمانه، مكتوب و سرى بوده و دخالت وكيل محدود و موكول به يك شرايطى است. ولى به محض اينكه پرونده از مرحله مقدماتى وارد مرحله محاكمه مى شود ضوابط سيستم و آيين دادرسى تغيير مى كند. يعنى از سيستم تفتيشى درمى آيد و وارد سيستم اتهامى مى شود كه جلسه محاكمه علنى خواهد بود و متهم مى تواند تعدادى وكيل داشته باشد.به عبارت ديگر شركت وكيل مدافع در دادرسى هاى جزايى در مرحله تحقيقات مقدماتى اجبارى نيست و وكيل فعاليت دفاعى مهمى به عهده ندارد. اما در مرحله دادرسى در بعضى موارد شركت وكيل اجبارى است و بايد به صورت موثر دفاع كند.مردم حق دارند به هر نحوى كه مى خواهند از خدمات وكيل در حدود مقرر در قانون استفاده كنند. اين حق در اصل ۳۵ قانون اساسى به نحو مطلق و در تمام مراحل به رسميت شناخته شده است. مع الاسف اين حق مسلم و ترديدناپذير از طرف دستگاه قضايى و قوه مقننه (در مجلس پنجم) مورد تعرض و تخديش قرار گرفت، چه آنكه قوه مقننه با تصويب تبصره ذيل ماده ۱۲۸ قانون آيين دادرسى كيفرى، ورود وكيل به پرونده را منوط به تشخيص قاضى دانست.در زمينه امر مهم دفاع، اصل ۳۵ قانون اساسى مى گويد: «در همه دادگاه ها طرفين دعوى حق دارند براى خود وكيل انتخاب كنند و اگر توانايى انتخاب وكيل را نداشته باشند بايد براى آنها امكانات تعيين وكيل فراهم شود.» اين اصل به ويژه با توجه به مشروح مذاكرات خبرگان قانون اساسى «اطلاق» دارد و با توجه به اصل تفسير قانون به سود متهم جايى براى تاويل و تفسيرهايى كه حق وكيل را براى متهم محدود كند وجود ندارد. و نيز ماده واحده (قانون انتخاب وكيل توسط اصحاب دعوى) مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخيص مصلحت نظام ضرورت مداخله وكيل مدافع و تكليف جامعه به تامين آن در صورت عدم تمكين متهم را فقط در دادگاه ها و به هنگام رسيدگى ملحوظ داشته است و در ارتباط با لزوم مداخله وكيل در تحقيقات مقدماتى سكوت كرده است.در عين حال در ماده ۱۲۸ قانون آيين  دادرسى كيفرى پيش بينى شده است «متهم مى تواند يك نفر وكيل همراه خود داشته باشد. وكيل متهم مى تواند بدون مداخله در امر تحقيق پس از خاتمه تحقيقات مطالبى را كه براى كشف حقيقت و دفاع از متهم يا اجراى قوانين لازم بداند به قاضى اعلام كند.»متاسفانه بر خلاف رسم و عرف قضايى و قانونى، بعضى بازپرسان به ويژه در پرونده هاى خاصى با تفسير خلاف اصل و عرف، كلمه «مى تواند» در ابتداى ماده ۱۲۸ را چنين تعبير مى كنند كه قاضى اختيار دارد به وكيل اجازه حضور در تحقيقات مقدماتى را بدهد يا ندهد و استثنائات امور محرمانه و جرايم عليه امنيت كشور و موجب فساد بودن در تبصره اين ماده را- كه قاضى طبق آن مى تواند بدون حضور وكيل تحقيقات را انجام دهد- تبديل به قاعده و رويه كرده اند. هر چند استثناى ياد شده نيز برخلاف اطلاق اصل ۳۵ است و نبايد اجازه تضييع حقوق مجرمان داده شود.تشخيص فساد و محرمانه بودن و اينكه جرم امنيتى است يا خير، لاجرم با بازپرس است. به اين ترتيب قاضى دادگاه به سهولت مى تواند متهم را به ويژه به بهانه وجود فساد از داشتن وكيل مدافع محروم كند. اين محروميت مخصوصاً در جرايم مهم كه اقتضاى مجازات هاى سنگين از قبيل اعدام، صلب، رجم، قطع، حبس دائم و نظاير آن را دارند و تحقيقات مقدماتى سرنوشت ساز بوده و پايه و اساس پرونده هاى كيفرى است با هيچ منطقى سازگار نيست. آيا اين امر مخالف صريح قانون اساسى و مغاير حقوق بشر اسلامى و حقوق بشر مذكور در اسناد سازمان ملل متحد نيست؟بخشنامه رئيس قوه قضائيه درباره احترام به آزادى هاى مشروع و حقوق شهروندى كه در اواخر مجلس ششم به صورت قانون درآمد و به سرعت توسط شوراى نگهبان تصويب شد دربند ۳ خود حق استفاده از وكيل را براى متهمان در كليه مراحل دادرسى به رسميت شناخته و استثناى فوق در تبصره ذيل ماده ۱۲۸ ق.ا.ك را نسخ كرده است. (محاكم و دادسراها مكلفند حق دفاع متهمان و مشتكى عنهم را رعايت كرده و فرصت استفاده از وكيل و كارشناس را براى آنان فراهم كنند.)با اين حال در عمل، نقش وكيل در مرحله تحقيقات مقدماتى در حقوق ايران بسيار محدود است. هرچند صرف حضور وكيل خود گاهى در جهت تحكيم حق دفاع متهم محسوب مى شود. به علاوه در آيين دادرسى كيفرى كنونى به فرض حضور وكيل و ارائه لايحه اى در پايان تحقيق براى بازپرس هميشه امكان ادامه تحقيقات و استنطاق از متهم در جلسات آينده و بدون حضور وكيل مدافع، در مواردى كه متهم در بازداشت به سر مى برد، وجود دارد و اين امر نقض حق دفاع متهم تلقى نمى شود. با عنايت به مقررات موجود آيين دادرسى كيفرى مشاوره متهم با وكيل خود در جلسه بازپرسى، در صورتى كه اين امر از ديدگاه بازپرس يا داديار تحقيق دخالت در امر تحقيق تلقى شود، مجاز نيست. در نظام كيفرى ما، به علت اينكه الگوى اختيارات بازپرس نظام قرن نوزدهم فرانسوى بوده است متاسفانه وكيل مدافع به دور از پرونده كيفرى باقى مى ماند و عدم اطلاع وى از محتويات پرونده امكان دفاع از موكل را سلب مى كند. ممنوعيت مشاوره متهم با وكيل خود در جلسه تحقيق (لااقل به گونه اى كه در عمل معمول است) با فلسفه حضور وكيل در تحقيقات مقدماتى مغايرت دارد و عدم حضور متهم در جلسات استماع شهادت شهود، معاينه محل و غيره امكان دفاع موثر را از بين مى برد.متاسفانه قانونگذار ضمانت اجرايى براى موارد ممانعت دادسرا از حضور وكيل مدافع در جلسات تحقيق از متهم را پيش بينى نكرده است. نظر به اينكه چنين ممانعتى بدون ترديد از موجبات اضرار به حق دفاع متهم محسوب و مغاير با اصل برائت است، ضرورت مداخله قانونگذار- فراسوى مجازات هاى انتظامى موجود- هر چه بيشتر احساس مى شود. نگرشى هرچند كوتاه به قوانين كشورهاى ديگر در اين زمينه، راهى را كه در اين كشورها به تدريج در زمينه گسترش حقوق وكلاى مدافع در مرحله تحقيقات مقدماتى طى شده بر ما مشخص مى كند. اشاره كرديم كه به موجب بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادى هاى مشروع و حفظ حقوق شهروندى مصوب ارديبهشت ۸۳ اصل الزامى بودن حضور وكيل در كليه مراحل دادسرا و دادگاه ها و حتى تحقيقات مقدماتى پذيرفته شده است، لذا ماده ۱۲۸ قانون آيين دادرسى كيفرى و تبصره ذيل آن كه حضور وكيل را منوط به تشخيص قاضى كرده بود نسخ ضمنى شده است، اما در عمل قضات دادسرا تن به اين الزام قانونى نداده اند، همچنان بر روال سابق عمل مى كنند.

قانونگذار در هر كشورى با عنايت به ميزان پايبندى وكلا به وظايف حرفه اى، برداشت عموم مردم از مفهوم عدالت، تجهيز سازمان قضايى و كانون وكلا و غيره مقررات خاصى را پيش بينى كرده است تا ضمن تامين حق دفاع متهم و رعايت اصل برائت، حسن جريان امور كيفرى نيز خدشه دار نشود.

در جهان امروزى با پيشرفت هايى كه در اصول دادرسى هاى كيفرى به وجود آمده است به متهمان اجازه مى دهند تا در مرحله تحقيقات مقدماتى نيز از حضور وكيل مدافع بهره مند شوند. در بسيارى از كشورهاى جهان حتى هنگام تفهيم اتهام، حق داشتن وكيل نيز به وى تفهيم و تذكر داده مى شود كه حق دارد تا حضور وكيل مدافع خود از پاسخ دادن به پرسش ها امتناع كند.نظام قضايى در ايران اگر چه مبتنى بر اصول شريعت و فقه اسلامى و به اصطلاح برخى از اساتيد؛ نظامى از نوع فقاهتى است، معذلك نمى تواند از تجربيات جهانى و استانداردهاى بين المللى خود را مصون و مبرا بداند به ويژه اينكه اصول حاكميت قانون كه عمده توجه و هدف آن در نظام هاى بشرى بر قانون مدارى و اجراى قوانين استوار است جايگاه ويژه اى را براى دستگاه قضايى قائل است و اصولاً نمى توان از جامعه مدنى و قانون مدارى سخن گفت، اما تقويت قوه قضائيه و كارايى آن و استقلال اين قوه را ناديده گرفت. در پايان مولفه هايى چند از يك نظام دادرسى بين المللى استاندارد ذكر مى شود، تا مورد عنايت تدوين كنندگان قوانين كيفرى واقع شود:

۱- حمايت از حقوق بشر بايد در كليه مراحل دادرسى كيفرى تضمين و تامين شود.

۲- متهم بايد از اصل برائت در طول رسيدگى به امر كيفرى تا وقتى كه حكم صادره اعتبار امر مختومه يابد استفاده كند.

۳- در مرحله تحقيقات مقدماتى يعنى قبل از مرحله دادرسى و صدور حكم، برحسب ضرورت هاى ناشى از اصل برائت، بايد اصل تناسب كه «يك رابطه منطقى است بين اهميت امرى كه متهم به آن مجبور مى شود و با حقوق و آزادى هاى او معارض است از يك طرف و هدف نهايى تحميل چنين امرى از طرف ديگر» در تصميماتى كه اجبار و الزام متهم را به دنبال دارد، رعايت شود. به همين لحاظ بايد قانونگذار پيامدهاى بازداشت موقت را كه به هر حال يك اقدام كاملاً استثنايى محسوب مى شود، پيش بينى كند.

۴- بايد در مرحله دادگاه بنابر اصل برائت، بى طرفى قاضى نسبت به طرفين دعوى تضمين شود. نتيجه اين است كه بايد در دعواى كيفرى امر تعقيب از دادرسى و قضاوت جدا باشد و هيچ گاه قاضى محكمه تحقيقات مقدماتى را انجام ندهد.

۵- به دليل اهميت اصل برائت بايد قاضى قرار بازداشت موقت مستدلاً با توجه به عوامل ويژه صادر شود. نگه داشتن متهم در بازداشت موقت بدون وجود قرائن كافى مطلقاً ممنوع است و اگر مدت آن از حداقل مجازات عمل ارتكابى فراتر رود، غيرقانونى است.

۶- بايد هر تصميمى كه توسط مقام صلاحيت دار اتخاذ مى شود، حتى اقدامات مامورين پليس كه با حقوق اساسى فرد ارتباط دارد، مورد تاييد قاضى و با نظارت او باشد.  
۷- كليه دلايلى كه با نقض حقوق اساسى افراد تحصيل شده باشد، باطل و بلا اثر است و نمى تواند به هنگام دادرسى مورد ارزشيابى قرار گيرد.

۸- در تحصيل دلايل استفاده از وسايلى كه مربوط به روابط خصوصى افراد مى شود، مثل استماع مكالمات تلفنى وقتى پذيرفته است كه قانونگذار صراحتاً اجازه داده باشد و قاضى در مورد استفاده از آن قبلاً تصميم گرفته باشد. بايد در مورد نمونه بردارى ژنتيك و شنود الكترونيكى از راه دور نيز قانونگذار شرايط پذيرش آن را دقيقاً تعيين كرده باشد.

۹- اختصاص دادن مزايا و اولويت هايى به شهود يا ماموران مخفى در امر كيفرى كه بعضى دولت ها به آن عمل مى كنند، فقط در بعضى پرونده هاى مربوط به جرايم سازمان يافته ارزش دارد.

۱۰- بايد در تحصيل دلايل اسرار حرفه اى كاملاً حفظ شود.

۱۱- مى تواند انتشار بحث و گفت وگوهاى جلسه دادرسى توسط راديو- تلويزيون محدود و يا ممنوع شود.

۱۲- بايد حق دفاع در كليه مراحل دادرسى كيفرى تضمين شود و هيچ كس مجبور نيست مستقيماً يا به طور غيرمستقيم به محكوميت كيفرى خود كمك كند.

۱۳- متهم حق دارد از مضمون اتهام خود از اولين تحقيقات مامورين پليس يا مرجع قضايى مطلع شود و نبايد در مقابل سئوال سكوت اختيار كند و سكوت او عليه خودش دليل محسوب شود.

۱۴- بايد قوه قضائيه از ابتداى تشكيل پرونده براى هر فرد متهم يا محكوم عليه حق داشتن مشاور حقوقى را تضمين كند. اين مشاور در صورتى كه متهم قدرت مالى نداشته باشد، رايگان است و مخارج آن به عهده دولت خواهد بود.

۱۵- متهم زندانى حق ارتباط با وكيل مدافع خود را به طور خصوصى دارد و بايد وكيل او حق داشته باشد كه در هر بازجويى از موكل خود، حضور يابد.

۱۶- بايد وكيل مدافع بتواند به مدارك پرونده از اولين لحظه اتهام مراجعه كند و قضات دادسرا متوسل به عذر قانونى عناوينى كلى و مبهم چون امنيت كشور، فساد، جنبه محرمانه و... - كه برداشت هاى سليقه اى گوناگونى را موجب مى شوند - در مرحله تحقيقات مقدماتى نشوند.

۱۷- هر فردى كه معتقد است به حقوق اساسى او در اثناى يك دادرسى زيان وارد شده، بايد اين امكان را داشته باشد كه آن اقدامات را توسط دادگاه حقوق اساسى يا توسط دادگاه عالى يا ديوان بين المللى حقوق بشر كنترل كند.

**رسيدگي به جرائم بورسي**

راه اندازي شعبه اختصاصي رسيدگي به جرائم بورسي رسيدگي به جرائم بورسي به زودي با راه اندازي يك شعبه به همين نام و با همكاري سازمان بورس و نهاد قضايي تسريع مي‌شود.

شهروز يوسفي‌فر سرپرست مديريت امور حقوقي و انتظامي سازمان بورس در گفت و گو با خبرگزاري موج، در بيان پيچيدگي جرايم بورسي از نظر ماهيتي و شكلي، به ورود 25 عنوان مجرمانه در نظام كيفري كشور اشاره كرد.وي گفت:‌ از نظر آيين رسيدگي، هيچ سابقه رسيدگي در دادگاه ها در جرائمي مانند دستكاري قيمت بازار، سوء استفاده از اطلاعات نهاني و جرائمي كه موضوع فصل شش قانون جديد بازار اوراق بهادار است، پيش از اين وجود نداشته است.وي با بيان اين كه "دادسراها و دادگاه هاي فعلي در رسيدگي به جرائم بورسي دچار كندي در كار مي شوند"، ‌ كندي در رسيدگي به پرونده هاي بورسي را به ماهيت جرائم بورسي نسبت داد.يوسفي فر اظهار داشت: در مبارزه عليه مرتكبيني كه اقدام به وقوع جرم در حوزه بازار سرمايه مي كنند قانون بازار سرمايه تحت عنوان قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر 84 از اول فروردين ماه 85 لازم الاجراء شد.وي تصريح كرد: سازمان بورس در نظر دارد تا از طريق دادستاني كل كشور در يك تعامل سازنده، بررسي پرونده هاي بازار سرمايه در شعبه اي مختص به بورس صورت گيرد.  
وي معتقد است: تخصيص شعبه قطعا منجر به تسهيل در رسيدگي و تحقق سريعتر اهداف قانوني شود.اين حقوق دان بازار سرمايه ادامه داد:‌ ضمن اينكه اين امر سبب ايجاد رويه اي واحد در رسيدگي به جرايم بورسي نيز مي شود تا ‌ به اين ترتيب اهميت قانون بازار اوراق بهادار در بازار سرمايه به عنوان نخستين پايگاه اعلام شود.وي با بيان اينكه" تعدادي از پرونده هاي بورسي در دادسراهاي مختلف تهران در حال رسيدگي است"، از انتشار آگهي يا اعلاميه پذيره نويسي بدون اخذ مجوز از سازمان بورس (مواد 20 تا 23 قانون جديد بازار سرمايه)، سوء استفاده از اطلاعات نهاني (بند يك ماده 46 قانون جديد بازار سرمايه)، معامله اوراق بهادار از سوي دارندگان اطلاعات نهاني (بند 2 ماده 46)، دستكاري قيمت بازار(بند 3 ماده 46) و عدم ارائه اطلاعات، اسناد يا مدارك مهم به سازمان به عنوان جرائم بورسي ياد كرد.وي با اشاره به تكليف سازمان بورس در كشف، شناسايي و اعلام جرم، يادآورشد: بنابر ماده 52 قانون جديد بازار سرمايه، سازمان مكلف گرديده كه مستندات و مدارك مربوط به جرائم موضوع قانون را گردآوري كرده و به مراجع ذي صلاح اعلام كند.يوسفي فر با بيان اينكه" سازمان بورس شاكي مصطلح و خصوصي به شمار نمي رود"، تصريح كرد: اين سازمان به نام عموم جامعه سهامداران تحت عنوان شاكي عمومي در يك تعامل سازنده با نهاد قضايي در مورد جرائم اقدام مي كند.وي با تاكيد بر اينكه "‌ در اعلام جرم عليه مرتكبين براي سازمان هيچ گونه نفعي متصور نيست "، اضافه كرد:‌ قانون گذار، سازمان بورس را در اجراي تكليف قانوني خود در پي گيري جرائم،‌ از صلاحيت كافي برخوردار نموده است.سرپرست مديريت امور حقوقي و انتظامي سازمان بورس و اوراق بهادار گفت: رويكرد اين قانون در برخورد با برخي از اقداماتي كه پيش از اين صرفا به عنوان يك تخلف در حوزه بازار به شمار مي رفت چنين به نظر مي رسد كه نظريه تنبيه شخصيت حقوقي قدري تعديل و بدين وسيله تصميم گيرندگان شخص حقوقي داراي مسووليت شخصي در برابر سهامداران مي باشند.وي تصريح كرد: بدين ترتيب در صورت وقوع جرم، شركت تنبيه نخواهد شد بلكه اين شخص تصميم گيرنده و اجراء كننده مستقيما در برابر قانون بازار اوراق بهادار مكلف به پاسخگويي است.

وي ماده 51 قانون بازار اوراق بهادار را به عنوان مستند ذكر و بيان كرد: در صورت ارتكاب هر يك از جرائم مندرج در قانون بازار اوراق بهادار توسط اشخاص حقوقي مجازات هاي پيش بيني شده برحسب مورد براي آن دسته از اشخاص حقيقي اعمال مي شود كه طرف اشخاص حقوقي ياد شده مسووليت تصميم گيري را بر عهده داشتند.

حقوق جزا:**برخى از نواقص و ضعف هاى كلى قانون مجازات**

وضع قانون در هر كشورى بر مبناى يكسرى ضرورت مهم و نيازهاى اجتماعى صورت مى پذيرد. قانونگذار كيفرى مى كوشد تا با تعيين اولويت ها و نيازها و درك صحيح واقعيت هاى حاكم بر جامعه و با در نظر داشتن ارزش ها، هنجارها، آداب و رسوم و باورهاى رايج اجتماعى، قانونى را وضع نمايد كه ضمن برطرف ساختن نسبى مشكلات و معضلات جارى، از صلابت، سلاست، استحكام، ظرافت، دقت عمل، افق ديد وسيع، آينده نگرى، نيازسنجى اجتماعى و به طور كلى منطق حقوقى و اجتماعى برخوردار باشد.قانونى كه نتواند چنين نيازهايى را مرتفع سازد، بى گمان ديرى نمى پايد كه به سرنوشتى موهوم دچار خواهد شد. زيرا ارزش ها و باورهاى اجتماعى مادام در حال تغيير و تحول هستند و اگر يك مصوبه قانونى قادر به هماهنگى و مطابقت خود با واقعيت هاى موجود نباشد، به زودى اسباب نارضايتى عمومى را فراهم كرده و به يك قانون متروكه مبدل خواهد شد. قانون مجازات اسلامى فعلى نيز به رغم نقاط مثبتى كه دارد، واجد ضعف هاى عمده اى در بخش قانونگذارى است. اين ضعف هاى كلى عبارتند از:  
• ۱ \_ ۱ \_ **پراكندگى**

پراكندگى مواد قانونى و تعدد قوانين كيفرى متفرقه، يكى از معضلات اساسى و مهم قوانين جزايى فعلى است. تعدد اين قوانين به حدى است كه گاهى قضات محاكم و وكلاى دادگسترى را در يافتن حكم صحيح قانونى با مشكل مواجه ساخته و صدور حكم يا دفاع از دعوى را اجتناب ناپذير مى نمايد، بديهى است پيش بينى تمامى جرايم در يك مجموعه جزايى متحدالشكل و واحد مى تواند بسيارى از ضعف هاى فعلى را بپوشاند.  
• ۱-۲- **جرم انگارى هاى غيرضرورى**

اصل بر غيرمجرمانه بودن و صحت رفتارهاى ارتكابى افراد جامعه است و جرم  انگارى اعمال انسان ها يك عمل استثنايى است كه كمتر بايد مورد استفاده قرار بگيرد. متاسفانه قانونگذار جزايى ايران برخلاف حقوق و آزادى   هاى فردى و بدون در نظر گرفتن ضرورت هاى اجتماعى، هرازگاهى يكسرى توصيفات جزايى را وارد متون كيفرى مى نمايد كه اندكى مداقه و امعان نظر مويد اين معنا است كه نياز چندانى به وجود آنها نبوده و با انجام يكسرى اقدامات پيشگيرانه غيركيفرى به راحتى مى توانست از وقوع آنها جلوگيرى كند. فراموش نكنيم كه جرم انگارى هاى بى امان، ثمره اى جز تضييع حقوق انسان  ها، صرف هزينه هاى مالى و انسانى بى شمار و سردرگمى قضات و علماى فن نخواهد داشت.  
• ۱-۳- **جرم زايى**

هدف از وضع قوانين كيفرى، مقابله با جرم  و بزهكارى است. بنابراين قانونى كه وضع مى شود دو هدف را دنبال مى كند: اصلاح فرد بزهكار و بازدارندگى اجتماعى. در قانون مجازات اسلامى فعلى، يك سرى مواد كيفرى مطرح است كه نه تنها تاثيرى در پيشگيرى از جرم و اصلاح مجرمين ندارد، بلكه خود از قوانين جرم زا تلقى مى شود. مثال آن ماده ۶۳۰ اين قانون است. يا در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامى پيش بينى شده كه والدين مى توانند فرزندان خود را در موارد ضرورت تنبيه كنند. وجود چنين مواد كيفرى و واگذارى حق اجراى قوانين جزايى به افراد عادى جامعه آن هم بدون مراجعه به محاكم قضايى و دستگاه هاى مجرى قانون، اقدام صحيحى نيست.  
• ۱-۴- **ضعف شكلى در قانونگذارى**

قانونگذار در هر جامعه، نماينده و منتخب تك تك افراد آن جامعه محسوب مى شود. وصف قانونگذار متضمن بهره مندى از يك سرى توانايى ها، علوم فنون و تكنيك هاى خاص است. قانونى كه از مرز تصويب مى گذرد بايد از اصول شكلى مختلفى پيروى كند. شفافيت، سلاست و تبعيت از چارچوب شكلى معين، حداقل شرايط لازم براى يك قانون خوب به حساب مى آيد. قانونى كه خالى از اين وصف باشد، موجبات تفاسير به راى و اختلاف عقايد و سلايق را فراهم مى كند و لاجرم به يك قانون بى فايده و بى ثمر مبدل مى شود. قانون مجازات اسلامى نيز در بسيارى از مواقع از اسلوب و شيوه متعارفى پيروى نكرده و پاره اى از موارد آن صرفاً و عيناً ترجمه اى از متون فقهى بوده و كمتر ظرافتى در آن مشاهده مى شود.

• ۱-۵- **ابهام و ناكارآمدى در پاره اى از تاسيسات حقوقى**

يكى از ضعف هاى عمده قانون مجازات اسلامى فعلى، وجود نواقص و ابهامات متعدد در تاسيسات و نهادهاى مقرر و پيش بينى شده در اين قانون است كه تامل و بازنگرى در آن را ضرورى ساخته است. وجود ابهام و اجمال در توصيف پاره اى از عناوين جزايى يا تاسيسات فوق الاشعار نظير بحث شروع به جرم، تخفيف مجازات، تعليق كيفر، تعريف و تفكيك مجازات هاى تعزيرى از بازدارنده، تعيين صلاحيت تقنينى، مسئوليت كيفرى اطفال، تعريف ديه و تعيين دقيق ماهيت آن، تعيين تكليف درخصوص وسايل و اموال حاصله از جرم و امثال آن از نكات بسيار مهمى است كه دقيقاً بايد مورد توجه و عنايت قرار گيرد. به عنوان مثال در بحث شروع به جرم به روشنى مشخص نيست كه مراد قانونگذار از شروع به جرم چيست؟ آيا هر عملى كه بدون دخالت و اراده فاعل منجر به نتيجه شود شروع به جرم است؟ واقعيت آن است كه در قانون فعلى و در ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامى نه تنها از شروع به جرم تعريفى نيامده بلكه سياق عبارات ماده و تبصره هاى آن به گونه اى است كه اصولاً شروع به جرم را نفى كرده است چرا كه مى گويد: «اگر اقدامات انجام شده جرم باشد، شخص محكوم به مجازات آن خواهد شد.» پس اگر هر كارى انجام شود، ولى به دليل خارجى به نتيجه نرسد، در صورتى قابل مجازات است كه اقدام فاعل، جرم باشد. تصور كنيد شخصى با شمشير حمله مى كند و به علت عدم تعادل به درخت اصابت مى كند، در چنين صورتى قانون اخير هيچ تجويزى براى تعقيب اين عمل ندارد. اين نياز كه متاسفانه در اين ماده اجابت نشده در چند جرم از جمله كلاهبردارى، سرقت، قتل و... اختصاصاً پيش بينى شده است ولى سئوال كماكان باقى است كه شروع به جرم چيست؟ حال آنكه ماده ۴۱ در اين مورد ساكت است. در ساير موارد نيز به همين نحو است و قانونگذار به روشنى تعيين تكليف نكرده است كه البته ذكر تك تك آنها از حوصله اين مقال خارج است.

• ۱-۶- **كيفرمحورى**

از جمله ضعف هاى اساسى قانون مجازات اسلامى در شرايط فعلى، خصيصه كيفرمحورى و تمايل بيش از حد قانونگذار به پيش بينى و اعمال مجازات هاى سنگين و مشدد است و كمتر از مكانيسم هاى جايگزين يا جانشين با رويكرد اصلاحى و تربيتى استفاده كرده است

## فرمانده نيروي انتظامي : كشف سريع جرم عامل بازدارنده براي مجرمان است

سرتيپ پاسدار " اسماعيل احمدي مقدم " فرمانده نيروي انتظامي جمهوري اسلامي ( ناجا ) تاكيد كرد : سرعت و افزايش كشف جرايم موجب كاهش وقوع جرم مي‌شود و عاملي بازدارنده براي مجرمان است. احمدي مقدم روز سه شنبه در همايش روساي آگاهي‌هاي سراسر كشور ، افزود : بر اساس آمارهاي موجود كشف جرم در پليس آگاهي در سال جاري به